

هو العليم

فناى اصحاب سيد الشهداء عليه السلام در آن
حضرت

آية الله حاج سيد محمد محسن حسيني طهرانى

شرح حديث عنوان بصرى جلسه ۳۶

حضرت آية الله حاج سيد محمد محسن حسيني
طهراني در شرح روايت عنوان بصرى در رابطه با
فناى اصحاب سيدالشهداء عليه السلام در آن
حضرت مى فرمايند :

يك روز در كربلا در خدمت مرحوم آقاى حدّاد-
رضوان الله عليه- بوديم، مرحوم والد هم بودند، والد
بزرگ ما، جدّ مادري ما، مرحوم حاج آقا معين
شيرازى- رحمة الله عليه- ايشان هم حضور داشتند.
يك مطلبى را ايشان از آقاى حدّاد سؤال كردند و لكن
مرحوم آقا جواب دادند. ايشان سؤال كردند كه:

در زيارتى كه از امام صادق عليه السلام راجع به
شهداى كربلا وارد شده است (زيارت سيدالشهداء
در روز عرفه)، حضرت مى فرمايند: " السّلام عليكم
يا اولياء الله و احبائه، السّلام عليكم يا اصفياء الله و
اودائه، السّلام عليكم ... " بعد به دنبال آن
مى فرمايند: " بابى انتم وامّى " ؛ پدر و مادر من فدای
شما باد!

چطور ممكن است امام عليه السّلام بياید در
قبال مزار مطهر آنها و بگويد: "بابى انتم وامّى" ؛ اين
كلام دلالت بر اين مى كند كه امام عليه السّلام در

مقام تعلیم به ما می باشند ، که وقتی ما در کنار آن مقامات می ایستیم همین مطلب را بگوئیم، وَاَلَّا چگونه امام زمان علیه السّلام بیاید در کنار آنها بایستد و بگوید: "بابی انتم و امّی؟!!"

مرحوم آقا در جواب این مطلب فرمودند: "نخیر! هیچ اشکالی ندارد، منافانی ندارد که خود امام علیه السّلام بیاید و در اینجا این مطلب را بفرماید؛ و جهتش هم این است که این ارواح مطهّره ای که الآن در اینجا مدفون هستند، اینها الآن دیگر جنبه استقلالیت ندارند. اینها وقتی که در روز عاشورا آمدند زیر خیمه امام حسین و در تحت ولایت آن حضرت قرار گرفتند ، دیگر امام حسین شدند. نه اینکه هر کدام از اینها یک امام حسین بشود، امام حسین یکیست، دو تا امام حسین ما نداریم، ولی اینها دیگر آن جنبه غیریت با سیدالشّهداء را از دست دادند و فانی در ذات و ولایت آن حضرت شدند.

پس الآن دیگر در واقع حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه ای وجود ندارد، الآن دیگر بُریر و عابسی وجود ندارد، الآن حضرت ابوالفضل و حضرت علی

اکبری وجود ندارد. الآن سیدالشهداء هست و بس.
الآن امام حسین هست و بس، دیگر کسی نیست! و
وقتی که در مقابل این شهدا می ایستیم و می گوئیم:
بابی انتم و امی "کان" داریم به سیدالشهداء می گوئیم:
بابی انتم و امی"، نه اینکه آنها را جدای از آن حضرت
مدّ نظر قرار بدهیم، آنگاه خطاب کنیم. اگر جدا باشد
که معنا ندارد امام زمان علیه السلام حتی در مقام
تعارف، و اظهار امتنان و تشکر از این افراد این
کلمات را بیان بفرمایند؛ چون آن چرا که الآن دارد به
این شهدا می رسد از دریچه خود امام زمان به آنها می
رسد. الآن آن فیوضاتی که دارد به حبیب می رسد از
طرف امام زمان به او می رسد. ان وقت چطور میشود
امام زمان علیه السلام بیاید و بگوید: "بابی انت و
امّی!"

ولذا در جریان روز عاشورا یک جنبه و حالت
وحدتی بین حضرت سیدالشهداء علیه السلام با
اصحاب حکم فرما بود، و اصلاً فرقی بین آنها از نقطه
نظر بروز و ظهور افعال و اطوار وجود نداشت؛ و
همان نفس ولایت حضرت، خیمه خود را بر شراشر
وجود همه آنها افکنده بود، به حیثی که هیچ اراده و

خواستی برای آنها سوای اراده و مشیت مولای خود وجود نداشت.

و لذا پیشنهاد ابو ثمامه به سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا دچار اشکال و نقد قرار نمی گیرد چراکه فقط یک خواست و اراده در اینجا می ماند و آن اراده و مشیت حضرت است و بس! و اینکه جناب ابو ثمامه صیداوی پیشنهاد کرده است که با حضرت نماز ظهر را بجای آورد در واقع خود آن حضرت این مطلب را خواسته و طلب کرده، منتهی از زبان و ظهور این صحابی جلیل القدر و با معرفتش ظاهر شده است، و او در اینجا حکم زبان ناطق امام علیه السلام را پیدا نموده است.^۱

^۱ شرح حدیث عنوان بصری جلسه ۳۶.